

به نام پروردگار یکتا

آمی

کودک کهکشانی

Book by Enrique Barrios

مترجم: مینو پرنیانی

سرشناسه: باریوس، انریکه، ۱۹۴۵-م. Barrios.Enrique

شناسه افزوده: پرنیانی، مینو، ۱۳۳۹ - مترجم.

عنوان و نام پدیدآور: امی کودک کهکشانی / [انریکه باریوس] مترجم مینو پرنیانی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت رسانه ساز دانش، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص. ۵/۱۴/۲۱/۵۰ س م.

شابک: ۷-۰۵-۲۸۵۸-۹۶۴-۹۷۸-۱۲۰۰۰۰ ریال

موضوع: داستان های کودکان (شیلیایی)

موضوع: داستان های شیلیایی — قرن ۲۰ م.

یادداشت: عنوان اصلی: Ami, Child of the Stars, 1991

رده بندی دیویی: ۸۳۶ / ۶۴ [ج]

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۱۸ الف ۱۴ ب PZV/

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۲۸۳۴۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شناسنامه

عنوان کتاب: امی کودک کهکشانی

مترجم: مینو پرنیانی

طرح جلد: برزو نادرلویی

صفحه آرای: انتشارات شرکت رسانه ساز دانش

ناشر: انتشارات شرکت رسانه ساز دانش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۰۵-۲۸۵۸-۹۶۴-۹۷۸

آدرس: تهران، خ ستارخان، بین پل شیخ فضل ا... نوری و برق آستوم، پلاک ۶۲۲ واحد ۵

تلفن: ۴۴۲۸۰۷۹۳-۴۴۲۸۰۹۷۶ فکس: ۴۴۲۸۱۰۱۶

پست الکترونیک: info@rasanehsaz.ir

وب: www.rasanehsaz.ir

آمی (Ami) کودک کهکشانی

تقدیم به کودکان از هر سن و سال

و هر قوم و مکان

که در مسیر زیبای سازندگی و میراث بردن کره زمین جدیدی گام بر میدارند،

کره ای که ما بین انسانهایش مرزی نیست.

وقتی نویسنده نباشی، کتاب نوشتن کار سختی است. وقتی که خردسال باشی، سخت تر هم میشود. اما مجبورم بنویسم، چون دوستی کهکشانی از من چنین خواسته. نامش آمی است. می خواهم ماجرابی را نقل کنم که به دلیل خوش شانسی ام، همراه با این دوست تجربه کرده ام. او گفت در عوالم پیشرفته ای که او به آنها تعلق دارد، "بزرگسال" یا "رشد یافته" کسی است که دلیلی برای حسرت خوردن در زندگی ندارد. و این که "آدم بزرگ هابی" هستند که ۱۵ سال دارند و "کودکانی" که ۱۰۰ سال دارند...

در ضمن هشدار داد که "آدم بزرگ ها" از این چیزها نفعی نمی برند، چون باور داشتن به ترس و وحشت را، حتی وقتی هم که دروغ محض هستند، به معجزه و شگفتی، حتی اگر درست هم باشند، ترجیح میدهند. بنابراین به توصیه آمی می گویم که تمام این ماجرا خیال پردازی ای بیش نیست و تنها قصه ای است برای کودکان.

مجدداً تکرار میکنم که اینها فقط داستان است...!

اخطار به آدم بزرگها: از ادامه دادن به خواندن بپرهیزید، خوشتان نخواهد آمد، با عرض پوزش باید بگویم که آنچه قرار است رخ دهد، یک معجزه است.

"... و آنان شمشیر خویش را به خیش و نیزه هاشان را به داس هرس بدل میکنند، اقوام دیگر نباید بر علیه همدیگر شمشیر کشند و دیگر نباید جنگیدن را فرا گیرند." (عیسی

فهرست عناوین

بخش اول

۱. اولین دیدار
۲. پرواز جیم
۳. نگران نباش
۴. پلیس
۵. آدم ربایی عجیب
۶. سؤالی درباره مقیاس ها
۷. دیدنی ها

بخش دوم

۸. اوفیر
۹. قانون اصلی
۱۰. دوستی میان ستاره ها
۱۱. زیر آب
۱۲. ایامی نو
۱۳. پرنسس آبی
۱۴. تا دیدار بعد

مقدمه

کلاس سوم دبستان بودم که طوفان مرا به آن سرزمین همیشه بارانی و خانه قوم و خویشم پرتاب کرد. کودکی درونگرا بودم و از همان دوران، کتاب نزدیکترین دوستم شد. فراموش نمی‌کنم وقتی پیستوی زیر راه پله آن خانه را گشودم و وقتی آن را مملو از کتاب و مجله دیدم، در پوست نمی‌گنجیدم. گویی گنجی یافته بودم. با همان نیم سواد کودکی آنها را بلعیدم.

شبی مهتابی در بهار، در آن پناهگاه کودکی در جای خوابم دراز کشیده بودم و آسمان را نگاه می‌کردم. خوابم نمی‌برد. آن خویش مهربان گفت: "ماه را نگاه کن، شبیه به صورت آدمیزاد است. هر وقت که قرص ماه کامل بود، اگر هر آرزویی کنی، برآورده میشود."

و من همه سالهای بعد زندگی ام، همچنان کودک وار، آرزوهای دائم‌التغییر خود را به ماه می‌گفتم تا پیش خدا واسطه شود، آن بخش کودکانه ام که همیشه با من بود و هست، با ماه شب چهارده در آسمانها قرار ملاقات داشت. گاه در رؤیاهایم، بشقاب پرنده ای را متصور میشدم که می‌آید و مرا با خود از این عالم خاکی دون می‌برد.

همچنان مونس اصلی ام کتاب بود. کوهی از داده‌ها و اطلاعات درهم و برهم، درست و غلط را با هم داشتم، بی آنکه خردمند شده باشم. شبی در خواب دیدم که در کتابخانه‌ای بسیار عظیم هستم که کتابهایش بر زمین ریخته شده‌اند و من مشغول مرتب کردن و دسته‌بندی آنها هستم و باید به همه آن اطلاعات سر و سامانی بدهم.

سالها بعد در نقطه عطف دیگری از زندگی خود قرار گرفتم، در اوج یأس و ناامیدی و گمگشتگی، این بار "امی" آمد. آشنایی دیرینه که گرچه آسمانی بود اما پیش رویم قرار داشت.

از وقتی با او آشنا شدم، خیلی چیزها در زندگی ام تغییر کرده است. بسیاری از تکه‌های پازل، در سر جای خود قرار گرفتند. کتابها، ماه، ستاره‌ها، آرزوها، خواب‌ها، انسانها، عالم خاکی، تنهایی، معنای رنجها و ... همه و همه با "امی" معنای خود را تکمیل کرد.

"امی" از من خواست با ترجمه کتاب، امتیازم را بالا ببرم. پس چنین کردم و هنگام خواندن و ترجمه آن، بارها ذوق زده شدم، گریستم و به فکر فرو رفتم.

بیش از این حرفی ندارم، جز اینکه بگویم از دختر کوچکی پرسیدند: "به نظر تو چرا خوبی بهتر از بدی است؟" پاسخی ساده داد: "چون خوبی قشنگتر از بدی است."

اگر هنوز کودک الهی درونتان را با خود دارید، میدانم که همراه با "امی"، سفر زیبایی را پیش رو دارید.

راستی چه باور کنید یا نکنید، من هم بشقاب پرنده دیدم، همین زمستان پیش. آیا شما هم به اندازه من به آسمان و ماه نگاه می کنید؟

مترجم

www.ketab.ir